

جناب آقای دکتر جهان‌شاه صالح

همزمان با دومین سالگرد شهادت مرحوم دکتر خانعلی که در زمان تصدی وزارت فرهنگ شما به شهادت رسید با هیاهوی بسیار به ریاست دانشگاه انتخاب یا بهتر بگوئیم انتصاب شدید.

به ریاست دانشگاهی انتخاب شدید که هنوز یادگار گلوله‌های دژخیمان شاه بر دیوارهای دانشکده فنی در شانزدهم آذر ۱۳۳۲ باقی است و اجساد خون آلود شهیدان آنروز در جلوی دیدگان ماست. به ریاست دانشگاهی برگزیده شدید که در اول بهمن ۱۳۴۰ توسط چتربازان و کماندوهای شاه به خاک و خون کشیده شده بزرگترین فاجعه دردناک تاریخ مبارزات دانشگاهی را بوجود آورد. شما به ریاست دانشگاهی منصوب شده‌اید که چند ماه قبل توسط چاقوکشان و چتربازان دهقان نما برای چندمین بار مورد حمله و تجاوز قرار گرفت.... شما کاملاً آگاهی دارید که هدف دانشجویان از ورود به دانشگاه چیزی جز کسب علم و دانش و اندوختن هنر اداره و تدبیر امور اجتماع نیست و بالطبع این حق و وظیفه دانشجویان است که در سرنوشت خود دخالت نمایند و آنچه را که هیئت حاکمه سعی دارد بعنوان هو و جنجال معرفی نماید چیزی جز ادای وظیفه در قبال اجتماع بشری نیست و دانشگاه ساکتی را که هیئت حاکمه طالب آن است ملت ایران مردود می‌داند.

ما خود را مسوول انجام رسالت بزرگ کسب آزادی بیست میلیون نفر انسان ستمدیده و استعمارزده می‌دانیم و مانند تمام نقاط دنیا پیشقراولی نهضت‌های اصیل ملی را تا پیروزی نهائی ادامه خواهیم داد.

همچنین شما بخوبی می‌دانید که روش دانشجویان دانشگاه تهران همیشه مبتنی بر اصول صحیح مبارزه و عقل و منطق بوده و خواهد بود. اگر حادثه اول بهمن بوجود آمد - اگر دانشگاه ماهها تعطیل شده - اگر چاقوکشان شاه به دانشگاه هجوم آورده‌اند و در و پیکر آنرا درهم کوبیده‌اند - مقصر فقط و فقط مسوولین امور مملکت بوده‌اند، و حتی بیشرمی و گستاخی هیئت حاکمه در فاجعه اول بهمن تا بدانجا بود که آقای دکتر فرهاد (رئیس سابق دانشگاه) مجبور به اعتراض و استعفا گردید.

آقای صالح دانشجویان دانشگاه تهران حيله‌ها و نیرنگهای بسیاری در طول تاریخ مبارزات خود دیده‌اند و از نرمشهای مزورانه هیئت حاکمه تا برق سرنیزه‌های شاه را بارها دیده و اکنون آزموده شده‌اند و دیگر هیچ عاملی نمی‌تواند آنها را از مبارزه بخاطر ملت و انسانهایی که در سیستان و بلوچستان غذای آنها را روزانه علف هرزه و هسته خرما تشکیل می‌دهد باز دارد. ما از شما می‌خواهیم که این حقیقت مسلم را در مد نظر داشته باشید که شما در این چند روز مانند تمام مسوولان مملکتی دیگر حرف بسیار زده‌اید ولی قضاوت ما مبتنی بر نحوه عمل شما در آینده خواهد بود.

ما منتظریم تا ببینیم که آیا در مقابل تجاوزات هیئت حاکمه به دانشگاه مقاومت خواهید کرد یا مانند اقبالها چاکر و خادم جان نثار خواهید بود.

آقای صالح اکنون گروهی از ارزنده‌ترین استادان و دانشجویان عزیز در زندانهای شاه بسر می‌برند. اکنون استقلال دانشگاه از جانب هیئت حاکمه مورد تهدید جدی است. شما در برابر این وضع چه برنامه‌ای دارید؟ شما در سخنان خود گفته‌اید که نباید دانشگاه در انحصار عده معدودی باشد - شما در عمل با اینگونه افراد چه خواهید کرد؟ از شما مصرأً می‌خواهیم که درهای دانشگاه را بر روی جوانان لایق و تحصیل کرده باز کنید. از استقلال دانشگاه دفاع کنید و معیار شما در کارها بجای سنجش می‌زان انتساب آنها به افراد ذینفوذ و دربار صلاحیت علمی و اخلاقی افراد باشد.

وعده‌هایی را که شما با سروصدای زیاد داده‌اید عملی نخواهد شد مگر اینکه دانشگاه واقعا مستقل از اعمال قدرتهای حاکمه باشد.

اکنون دستورات بسیاری از مقامات دانشگاهی و حتی خود شما که ریاست دانشگاه را بعهدہ دارید بدون اجازه سرتیپ حکیمی!! که ریاست شعبه سازمان امنیت دانشگاه را بعهدہ دارد - عملی نمی‌شود. آیا شما در چنین محیطی می‌خواهید وضع علمی دانشگاه را سرو سامان دهید؟ اگر راست می‌گوئید اولین اقدام شما باید طرد این فرد از دانشگاه باشد.

آقای دکتر صالح

ولی حالا هم دیر نشده است و می‌تواند شرایط ادامه ریاست شما باشد.

۱- آزادی استادان و دانشجویان از زندان.

۲- در آستانه امتحانات فعلی برای جبران حداقل حقوق تضییع شده دانشجویان زندانی، فوراً همه دانشجویان را آزاد و با رضایت آنان امکان شرکت در امتحانات فراهم شود (و اگر مایل بودند فرصتی برای مرور دروس برایشان قائل شوند)

۳- محیط دانشگاه را از وجود قوای مخفی و آشکار نظامی و غیرنظامی که منافات با استقلال دانشگاه دارد پاک سازند.

۴- آزادی اظهار نظر و فعالیت دانشجویان در محیط دانشگاه مانند همه دانشگاه‌های جهان تامین گردد. اگر شما قول

داده‌اید یا از شما قول گرفته‌اند که با وعده و وعید محیط دانشگاه را مطلوب نظر دیکتاتور یعنی خاموش و ساکت چون سنگ و «بله قربان گوی» سازید سخت در اشتباهید و باید بدانید که فریاد آزادی طلبی در دانشگاه خفه نخواهد شد مگر اینکه دیگر دانشجویی زنده نباشد و هر عاملی که در مسیر این مبارزه مانع و رادعی ایجاد کند بالطبع همچون اقبالها رسوا خواهد شد.

حال این با شماست که در چه راهی قدم گذارید. این گوی و این میدان.

کمیته دانشجویان نهضت آزادی ایران

۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۲